



۲۰۱۵/۱۲/۱۲

م. نسیم اسیر
ملک الشعراء افغان ها در غربت

داستان زن!!

امروز، روز تجلیل از قانون منع خشونت علیه زن است، سروده ایست به احترام از مقام زن که تقدیم می شود:

امروز خامه رنگ گرفت از بیان زن
تمجید این مقال به تکرار گفته ام
عنقای فکر ما به جلالش نمی رسد
زن مادر است و شیره جان میدهد به ما
پر قدرت است منزلت و مهرا مادری
چون کعبه مراد به دورش طواف کن
بی رنگ و بوست قافله عمر و زندگی
کس را به جان خویش مجال و قوف نیست
بر نه فلک، فرشته به تجلیل می برد
چون آفتاب، نور سعادت دمیده است
آنانکه خود به مسند قدرت نشسته اند
گر روضه بهشت بؤد جایگاه کس

بنوشته از مقام بلند آستان زن
بالا تر است از همه نام و نشان زن
از بس بلند مرتبت افتاده شان زن
ای قدر ناشناس!!، بدان قدر جان زن
غافل مشو ز بازوی پر از توان زن
داده خدا جلال و کمالی به شان زن
گر پیشتاز ره نبود کاروان زن
گر رهرو خیال نباشد عنان زن
گر نغمه ای بلند شود از زبان زن
بر تیره خاک زندگی از آسمان زن
عاجز کمینه اند به قرب و قران زن
آدم نمی شود مگر از آستان زن

تصویر این جفا به وطن مشکل است (اسیر)

قد خمیده زن و رنگ خزان زن

م. نسیم (اسیر) فروری ۱۹۹۸م، بن المان